میدانی را در آن جنگ تغییر داد. ما در نتیجه استفاده از موشک‌های مذکور شاهد آن بودیم که تانک‌های دشمن یکی پس از دیگری منهدم می‌شدند. برادر حاج قاسم روزی به من گفت: «باید بخشی از موشک‌های کورنت را که نزد شماست به برادران در غزه برسانم.» طبیعتا او از گروه‌های مقاومت اسلامی نظیر حماس و جهاد اسلامی سخن می‌گفت. من نیز به او گفتم: «شاید دیدن موشک‌های کورنت -که سوریه آن را از روسیه خریداری کرده بود- در جنوب لبنان برای رئیس جمهور بشار اسد قابل تحمل باشد، اما آیا اسد وجود این موشک‌ها در نوار غزه را نیز تحمل می‌کند؟... من مسأله را با رئیس جمهور سوریه در میان گذاشتم. به او گفتم که آیا ممکن است موشک‌های کورنت را به غزه ارسال کنیم؟ او نیز گفت بله مشکلی ندارد. در آن زمان، حاج قاسم به همراه تیم مشترک همراهش موشک‌های کورنت را در اختیار گرفتند و آنها را به غزه منتقل کردند. داخل پرانتز بگویم که ما در آن زمان دارای یک تیم عملیاتی مشترک بودیم. به هر حال همگان می‌دانند که حاج قاسم و جمهوری اسلامی ایران حتی از تمامی روابط و مناسبات دیپلماتیک خود در راستای ارسال کمک‌های مختلف به نوار غزه استفاده کردند. به عنوان مثال جمهوری اسلامی ایران از روابط دیپلماتیک خود با سودان در این زمینه استفاده کرد. کار به جایی رسید که جنگنده‌های رژیم صهیونیستی انبارهای تسلیحاتی در سودان را به شدت بمباران کردند.

*** ما در عراق شاهد دو مرحله بوده‌ایم؛ مرحله اول، اشغال عراق توسط آمریکا بود و مرحله دوم به حمله داعش مربوط می‌شد. شما درخصوص نقش پشت‌پرده حاج قاسم سلیمانی در مرحله اشغال عراق توسط آمریکا به چه چیزی می‌توانید اشاره کنید؟**

نقش شهیدان حاج قاسم و حاج ابومهدی در مرحله اشغالگری آمریکا در عراق به دور از دیدگان باقی ماند و آنها در این زمینه مظلوم واقع شدند. واقعیت آن است که گروه‌های مقاومت در عراق در زمینه‌های مختلف مادی، معنوی، نظامی، تسلیحاتی و آموزشی از سوی حاج قاسم سلیمانی و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حمایت می‌شدند. آمریکایی‌ها خود به‌خوبی این مسأله را می‌دانند. چرا؟ زیرا افرادی را بازداشت کردند و تحت شکنجه از آنها اعتراف گرفتند. برخی افراد بازداشت‌شده، تحت شکنجه اعتراف کردند که در کجا و در چه پایگاه‌ها و پادگان‌هایی و توسط چه کسانی تحت آموزش نظامی قرار گرفتند. بنابراین، آمریکایی‌ها خود به‌خوبی از نقش‌آفرینی حاج قاسم در دوران اشغالگری‌شان در عراق آگاهی دارند.

من پیشتر نیز اشاره کردم آمریکایی‌ها برای خروج از خاک عراق به ایرانی‌ها یعنی حاج قاسم سلیمانی متوسل شدند. زمانی که توافق‌نامه خروج آمریکایی‌ها از عراق امضا شد، آنها [آمریکایی‌ها] با چه کسی صحبت کرده بودند؟ آنها نه به‌صورت مستقیم که از طریق عوامل خود با نیروی قدس صحبت کرده بودند. آنها به عوامل خود گفتند از قاسم سلیمانی خواهش کنید با گروه‌های مقاومت در عراق صحبت کند و از آنها مهلت بگیرد تا ما در مدت دو یا سه ماه از عراق خارج شویم. می‌خواهم مسأله دیگری را نیز برای شما بازگو کنم.

رئیس ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا در منطقه و نیز دیگر فرماندهان ارتش آمریکا در عراق، حاج قاسم سلیمانی و نیروی قدس را تهدید کردند که اگر حمایت‌های‌تان از گروه‌های مقاومت عراق را متوقف نکنید، ما مراکز و مواضع شما را در ایران بمباران می‌کنیم. آنها حتی اردوگاهی در منطقه کرج را به عنوان یکی از اهداف خود اعلام کردند؛ اردوگاهی که رزمندگان مقاومت از کشورهای مختلف در آنجا تحت آموزش قرار می‌گرفتند. با این حال، موضع جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌وجه تغییر نکرد.

*** آیا می‌توانید برای ما روایت کنید زمانی که بحران سوریه آغاز شد، شما و حاج قاسم تحلیل و ارزیابی‌تان از این بحران چه بود؟**

برای پاسخ به این سؤال لازم است به تاریخ بازگردیم. در روز دوم اعلام استعفای حسنی مبارک در مصر، حاج قاسم در اینجا (ضاحیه) بود. طبیعتا همه بسیار خوشحال بودیم. حاج قاسم در این خصوص گفت: من نیز همچون ملت مصر خوشحالم؛ اما نگرانی‌هایی هم دارم. به او گفتم: چرا؟ او نیز در پاسخ گفت: احساس می‌کنم پروژه بزرگی علیه منطقه تدارک دیده شده است و آمریکایی‌ها می‌خواهند با تغییر گروه‌هایی که از آنها حمایت می‌کنند، بر انقلاب‌های مردمی سوار شوند. در واقع، آمریکایی‌ها به بهانه بهار عربی و شعارهای مطرح شده در مصر و تونس می‌خواهند سازمان‌ها، کشورها و دولت‌های حامی مقاومت را هدف قرار دهند. به صورت دقیق، مقصودم توطئه‌چینی علیه سوریه است. می‌خواهم بگویم حاج قاسم اولین کسی بود که نسبت به وجود خطر و توطئه علیه سوریه هشدار داد.

حاج قاسم پیش از ۲۰۱۱ و پس از آن دیدارهایی با بشار اسد داشت. در آن زمان، من نزد رئیس جمهور، بشار اسد رفتم و به او گفتم گفت‌وگوهایی میان من، حاج قاسم سلیمانی و برادران‌مان در ایران انجام شده و به چنین ارزیابی و تحلیلی رسیده‌ایم که در منطقه اتفاقات خاصی در حال رخ دادن است. به او گفتم ما اولا دوست داشتیم نتیجه تحلیل و ارزیابی‌های خود را به شما اعلام کنیم و ثانیا می‌خواهیم بگوییم که رهبران سوریه جملگی برای مواجهه با هر شرایطی آماده باشند. در آن زمان، تفکر اساسی من، حاج قاسم، برادران ایرانی و رئیس جمهور بشار اسد این بود که از هرگونه تحرکات مردمی در سوریه سوءاستفاده خواهد شد و به همین دلیل لازم است مهار و کنترل شوند.

بله، ما قبول داریم که در سوریه فساد و مشکلات وجود داشت، اما چه اتفاقی افتاد؟ از این فساد و مشکلات سوءاستفاده شد. دولت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به جای این‌که معارضان را به سمت راهکار سیاسی سوق دهند، درهای مذاکرات و گفت‌وگوهای سیاسی را بستند، زیرا معتقد بودند دولت دمشق طی چند ماه ساقط خواهد شد و از بین خواهد رفت.

در آن مرحله- مقصود مرحله برقراری تماس با معارضان- حاج قاسم سلیمانی با معارضان سوری تماس‌هایی برقرار کرد، زیرا ارتباطاتی با اخوان‌المسلمین، اردوغان، ترکیه و... داشت. در آن زمان، طرف‌های مذکور با معارضان سوری در تماس بودند. معارضان حتی با قطر نیز در ارتباط بودند. بسیاری از دولت‌ها از آنها حمایت می‌کردند.

در هفته‌های ابتدایی تلاش‌های بسیاری برای حل‌وفصل سیاسی بحران سوریه شد. شاید اولین بار است که در خصوص این مسأله در رسانه‌ها صحبت می‌کنم. در آن زمان در ایران یک اتاق عملیات تشکیل شد که سماحه‌القائد شخصا پیگیر موضوع [مسأله سوریه] بودند. تمام نهادها و مؤسسات در ایران حتی آن دسته از نهادها و مؤسساتی که در حوزه فرهنگی مشغول بودند، درگیر موضوع سوریه شدند. به عنوان نمونه، مرحوم